

## تحلیل آثار و ثمرات احسان به دیگران در آموزه های قرآن کریم

محمد مهدی کریمی نیا<sup>۱</sup>، فرزانه خسروی<sup>۲</sup>، مجتبی انصاری مقدم<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (نویسنده مسئول)

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی قرآن و حدیث دانشگاه مراغه

<sup>۳</sup> دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد، پژوهشگر و مدرس دانشگاه

### چکیده

احسان (نیکوکاری) یکی از آموزه های وحیانی و از مفاهیم پر دامنه قرآنی است. احسان در قرآن کریم علاوه بر معنای نیکی کردن معانی دیگری نیز دارد. پژوهش حاضر با اشاره گذرا به معانی و مصادیق احسان، به آثار آن از دیدگاه قرآن می پردازد. سر ایمان، احسان به مردم است؛ سر مهم ترین عضو بدن است، بسیاری از اعضای بدن ما مثل چشم و گوش و زبان در سر قرار دارد. اگر سر از بدن جدا شود، بدن هیچ ارزشی ندارد. اگر ایمان را که ریشه همه خوبی هاست، به یک جسم و جسد تشبیه کنیم، سر، ایمان است که مدیریت کل ایمان، احسان به بندگان خداست. احسان تنها مربوط به مسائل مادی نیست، بلکه بخشی از آن مادی یا مالی است و بخش دیگرش غیر مادی است. در واقع هر قدم و فعل خیری، احسان به شمار می آید. از دیگر چیزهایی که خداوند اثر وضعی در آن قرار داده است، احسان و نیکی به بندگان خدا است، هر چند احسان کننده کافر باشد، لکن قطعاً نتیجه وضعی آن را می بیند. چنان که در قرآن می خوانیم: آیا جزای نیکی جز نیکی است! و برای کسانی که در این دنیا نیکی کرده اند، خداوند حسنه و پاداش نیکوی بزرگ دنیوی و اخروی که فراگیرنده فرد و اجتماع است را در نظر گرفته است و عدم احسان نیز موجب به وجود آمدن جامعه ای خشک و بی روح می شود. رواج احسان در جامعه، از مهم ترین عواملی است که مردم را به بهره وری از نعمت ها و استفاده از فرصت ها هدایت می کند و آنان را به سوی مساوات و نزدیک سازی سطح زندگی ها به یکدیگر سوق می دهد. بدین رو، روح احسان و نیکوکاری بایستی در جامعه رواج داشته باشد. از سویی دیگر، بررسی آثار احسان با توجه به آیات قرآن جهت تشویق افراد و اجتماع که شامل آثار دنیوی و اخروی می باشد، ضروری است. پژوهش حاضر برای رسیدن به این هدف با گردآوری، طبقه بندی و تحلیل آیات با کمک منابع کتابخانه ای حدیثی، تفسیری به دنبال یافتن آثار احسان از دیدگاه قرآن کریم می باشد. از این رو، با تبیین لغوی- قرآنی مفاهیم احسان، و برخی معانی دیگر در راستای احسان به ذکر آثار احسان از دیدگاه قرآن پرداخته است.

**واژه های کلیدی:** احسان، نیکو کاری، قرآن، ثواب، سعادت، ثمرات احسان، بخشش

## مقدمه

قرآن کریم به عنوان کتابی جامع، همه نیازهای مورد احتیاج برای سعادت جامعه بشری در حوزه فردی و اجتماعی را مورد توجه قرار داده است (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ص ۲۲۱). باید روز به روز فضائل اخلاقی در بین ما رشد کند. از جمله مهم ترین این نیازها، احسان است که قرآن کریم برخی دستورالعمل های صریح و غیرصریح در این زمینه ارائه کرده است. لذا لازم است با بررسی آیات قرآن کریم در مورد آثار احسان که ذکر شده در آن از جمله آثار فردی- اجتماعی و دنیوی- اخروی پرداخته شود. احسان و نیکوکاری یکی از آموزه های وحیانی و از مفاهیم پر دامنه قرآنی است. قرآن کریم با امر به «عدل و احسان»، (نحل/ ۹۰) به این مهم اشاره می کند که پژوهش حاضر به دنبال بررسی آثار احسان از دیدگاه قرآن کریم می باشد. بررسی موضوع از نگاه قرآن، علاوه بر تأکید و تأیید بحث، به این دلیل اهمیت دارد که قرآن علاوه بر توجه به خوشبختی دنیوی انسان، نیازهای اخروی را نیز در ارائه برنامه سعادت بشری مورد توجه قرار داده است (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۳۰۲). همچنین مطابق فطرت انسان سخن می گوید، (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ص ۱۴۵). قرآن کریم می فرماید: «وَإِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْأَبْغَىٰ يَعْظِمُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (نحل، ۹۰)؛ «خداوند فرمان به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان می دهد، و از فحشاء و منکر و ظلم و ستم نهی می کند، خداوند به شما اندرز می دهد شاید متذکر شوید». در این آیه نمونه ای از جامع ترین تعلیمات اسلام در زمینه مسائل اجتماعی، انسانی و اخلاقی بیان شده است. از جمله می فرماید: «خداوند فرمان به عدل و احسان می دهد و (همچنین) بخشش به نزدیکان؛ «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ». چه قانونی از «عدل» وسیع تر، گیراتر و جامع تر تصور می شود؟ عدل همان قانونی است که تمام نظام هستی بر محور آن می گردد. آسمان ها و زمین و همه موجودات با عدالت بر پا هستند، «بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ». جامعه انسانی که گوشه کوچکی از این عالم پهناور است نیز نمی تواند از این قانون عالم شمول، بر کنار باشد و بدون عدل به حیات سالم خود ادامه دهد. می دانیم عدل به معنی واقعی کلمه آن است که هر چیزی در جای خود باشد. به تعبیر روشن تر، در طول زندگی انسان ها مواقع حساسی پیش می آید که حل مشکلات به کمک اصل عدالت به تنهایی امکان پذیر نیست، بلکه نیاز به ایثار، گذشت و فداکاری دارد، که با استفاده از «اصل احسان» باید تحقق یابد، (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۱، ص ۳۶۶). این حکم در باره مؤمن یا کافر و نیکوکار یا گنهگار جاری است. اگر یک کافر خیریه درست کند، به ایثار و فقر رسیدگی نماید، زندانی را آزاد نماید، اثر وضعی خودش را قطعاً دارد؛ زیرا کار نیک مورد پسند خدا را انجام می دهد؛ هر چند در درون کافر است، ولی یک صفت خدایی در اوست. یک چیزی در وجود او هست که او را از دیگران متمایز می کند. لذا این اثر وضعی را دارد. حد اعلای پاداش را به او می دهد، لکن پاداش کافر نیکوکار مختلف است. یا او را از آتش جهنم نجات می دهد، یا دفع بلا می کند، یا وسعت رزق به او می دهد، یا به مال و جان و عمرش برکت می دهد. بالاخره بی جواب نمی گذارد. فقط او را به بهشت نمی برد؛ چون شرط بهشت ایمان است (فرحزاد، ۱۳۹۳، ص ۷۴). صدقه فقط مربوط به مسائل مادی نیست. بخشی از آن مادی و مالی است و بخش دیگرش غیرمادی است. امام باقر علیه السلام فرمودند: «كُلُّ مَعْرُوفٍ صَدَقَةٌ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۲۶)؛ هر کار نیکی، صدقه است». قرآن کریم می فرماید: «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ» (حدید/ ۱۱)؛ کیست که به خدا وام نیکو دهد و از اموالی که به او ارزانی داشته اتفاق کند، تا خداوند آن را برای او چندین برابر کند؟ و برای او پاداش پر ارزشی است». شاد ساختن، دل مردم صدقه است. از کار معروف و خیر رساندن به دیگران غفلت نکنید، همه نمی توانید با مال صدقه بدهید، ولی با اخلاق خوب و خوشرویی می توان؛ حداقل آن یک سلام کردن است. حق تعالی می فرماید: «برای کسانی که در این دنیا نیکی کرده اند حسنه و پاداش نیکوی بزرگی است، «لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا

حَسَنَةً» (زمر/ ۱۰). تکلیف در احسان نیز وجود دارد؛ سیره معصومین علیهم السلام و اولیای خدا آن بوده که به افراد نیازمند، پیش از درخواست کمک می کردند. یکی از شرایط انفاق و احسان، ترک اذیت و منت است. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: «مَنْ أَسَدَى إِلَى مُؤْمِنٍ مَعْرُوفًا ثُمَّ آذَاهُ بِالْكَلَامِ أَوْ مَنْ عَلَيْهِ فَقَدْ أَبْطَلَ اللَّهُ صَدَقَتَهُ» (قمی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۹۱)؛ «کسی که به مؤمنی نیکی کند، آن گاه او را با سخن خود بیازارد، یا بر او منت گذارد، صدقه و کار نیکش را باطل کرده است». قرآن هم می فرماید: «لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى» (بقره/ ۲۶۴)؛ «بخشش های خود را با منت و آزار، باطل نسازید». سخاوت ریشه همه فضائل و کمالات انسانی است. عناوینی چون انفاق، احسان، صدقه، قرض الحسنه، عفو و گذشت، مباحثی است که همه ریشه در سخاوت دارند و از آبشخور سخاوت می نوشند (فرحزاد، ۱۳۹۳، ص ۱۶). کسی که مالش را از روی اختیار به خوبان ندهد، خدا از روی اضطرار مال او را صرف اشرار و بدها می کند (همان). احسان و انفاق و خیر رساندن به دیگران، کلید برکت و وسعت رزق است. در قرآن شرایطی برای احسان و انفاق بیان شده است. یکی از شرایط مهم احسان و انفاق این است که از مال حلال باشد (بقره/ ۲۶۷). حق مال آن است که جز از راه حلال به دست نیاوری، و جز در راه حلال خرج نکنی (فرحزاد، ۱۳۹۳، ص ۱۶۶).

افرادی که به خاطر گناه از دنیا می روند، بیشترند از کسانی که به خاطر اجل از دنیا می روند. از طرفی، افرادی که به خاطر صدقه و احسان زندگی می کنند، بیشترند از کسانی که به خاطر عمر طبیعی شان زندگی می کنند. مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در خطبه های نماز عید سعید فطر فرمودند: به مردم عرض می کنم: به هم رحم کنید تا خدای متعال به شما رحم کند. کسانی که دستشان باز است، دست تعدی به سمت منافع و مصالح دیگران دراز نکنند. کسانی که زرنگی، هوش، امکانات، قدرت، مسئولیت و توانایی های گوناگون فردی و اجتماعی دارند، از این توانایی ها در راه تعدی به دیگران استفاده نکنند. خود را بنده خدا بدانیم؛ در مقابل بقیه بندگان خدا، خود را موظف به همراهی، احسان، نیکی و رعایت انصاف بدانیم؛ آن گاه باران رحمت و فضل خدا بر سر ما خواهد بارید؛ ما را شستشو خواهد داد و برکات خود را بر ما نازل خواهد کرد. البته این وظیفه همه است؛ ولی کسانی که در جامعه تمکن و قدرت و مقام و ثروت و نفوذ کلمه ای در میان مردم دارند، بیش از دیگران در مقابل این بار سنگین - بار خودسازی و محدود کردن قوای خود از تجاوز به دیگران - مسئولند (بیانات رهبری در خطبه های نماز عید سعید فطر ۱۳۸۰ / ۰۹ / ۲۵). عدم احسان نیز موجب به وجود آمدن جامعه ای خشک و بی روح می شود و در زمینه فرهنگ، اخلاق عمومی و عدم رواج فضائل اخلاقی، مشکلاتی داریم. باید روز به روز فضائل اخلاقی در بین ما رشد کند. صبر ما، شکر ما، ذکر ما، احسان ما، مروت ما نسبت به دیگران، اجتناب ما از ایذاء دیگران، میل ما به خدمت به دیگران، روز به روز باید در بین جامعه رشد پیدا کند. این ها به خودی خود پیش نمی آید؛ اینها کار لازم دارد، تلاش لازم دارد. در این زمینه ها کوتاهی داریم (بیانات در دیدار مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۰ / ۰۵ / ۱۶).

بدین سبب، رواج احسان در اجتماع، از مهم ترین عواملی است که مردم را به بهره وری از نعمت ها و استفاده از فرصت ها هدایت می کند و آنان را به سوی «مساوات» و نزدیک سازی سطح زندگی ها به یکدیگر سوق می دهد. پژوهش حاضر با روشی توصیفی - تحلیلی به بررسی آثار و ثمرات احسان به دیگران در آموزه های قرآن کریم می پردازد تا افراد جامعه بیشتر در امر احسان به دیگران تشویق شوند، با این امید که فقر و آسیب های فردی، اجتماعی، فرهنگی، از جامعه رخت بر بندد و در نهایت آرامش حاکم گردد.

## مفهوم شناسی

لفظ احسان از ماده حسن در دو معنای نعمت بخشیدن به دیگری و احسان در کار و عمل است. کسی که علم نیکویی را بیاموزد یا عمل نیکی را انجام دهد، از جمله نیکوکاران به حساب می آید (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ماده حسن). حُسْن: (بر وزن قفل) یعنی زیبایی نیکویی. در قاموس آمده: «الحسن: الجمال» (زیبائی) در صحاح آمده: «الحسن: نقيض القبح» (نیکی). هر دو از این معنی در قرآن یافت می شود: زیبایی (احزاب/ ۵۲) و نیکی (عنکبوت/ ۸). راغب اصفهانی گوید: حسن (بضمّ اول) عبارت است از هر چیز سرور آور و خوش آیند. قول راغب جامع هر دو معنای فوق است زیرا خوش آیند شامل هر دو از زیبایی و نکوئی است. حسن در قرآن هم مصدر آمده و هم اسم. مانند آیه ۸ عنکبوت که اشاره شد. و مانند آیه «إِذَا أَنْ تُعَذَّبَ وَإِذَا أَنْ تَنْخِذَ فِيهِمْ حُسْنًا» (کهف/ ۸۶) که هر دو مصدرند و می شود گفت که اسم اند و نحو «وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَبِ» (آل عمران/ ۱۴) و «اللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ» (آل عمران/ ۱۹۵) که هر دو اسم اند یعنی: برگشت خوش آیند و ثواب دلپسند نزد خداست. حَسَن (بر وزن فرس) وصف است به معنی زیبا و نیکو. قرآن کریم می گوید: «فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ» (آل عمران/ ۳۷) «پروردگارش او را پذیرفت پذیرشی نیکو». در جایی دیگر از قرآن کریم آمده: «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا» (بقره/ ۲۴۵) موارد استعمال آن: قبول حسن، قرض حسن، متاع حسن، رزق حسن، اجر حسن، بلاء حسن و غیره است. حسنه: هر نعمت خوش آیند و شاد کننده است که بانسان میرسد و سیئه ضد آن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲) و شامل نعمت دنیا و آخرت هر دو است «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» (بقره/ ۲۰۱) «پروردگارا به ما در دنیا نعمتی نیکو بخش و در آخرت نعمتی نیک بخش و ما را از عذاب آتش نگاه دار». این کلمه مجموعاً ۲۸ بار در قرآن مجید آمده است و شامل نعمت هر دو جهان است و حتی در طاعت و شفاعت و پیروی نیز بکار رفته است «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ مَثَالِهَا» (انعام/ ۱۶۰) حسنات جمع حسنه است و شامل نعمت های و دنیا و آخرت هر دو می باشد (قاموس قرآن، ج ۲، ص ۱۳۶). قرآن کریم می فرماید: «وَبَلَّوْنَاهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ» (اعراف/ ۱۶۸). مجموعاً ۳۶ بار در قرآن مجید آمده است. مؤنث آن حسنی است «وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى» (نساء/ ۹۵) «و خدا به همه وعده بهتر داده است»، «حسنی» در این آیه و آیات دیگر باید موصوفی داشته باشد مانند «وَوَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَى» (اعراف/ ۱۳۷) و مانند «لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى...» (طه/ ۸) که «کلمه» و «الاسماء» موصوف حسنی است و این کلمه ۱۷ بار در کلام الله مجید تکرار شده است. در آیاتی نظیر «وَاتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ» (زمر/ ۵۵) «تَتَقَبَّلْ عَنْهُمْ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا» (احقاف/ ۱۶) غرض آن نیست که: با حسن تابع شوید و به حسن تابع نشوید یا احسن را قبول می کنیم ولی حسن را نه بلکه شاید غرض آن است که ما انزل الله همه احسن است و آنچه خدا قبول کند همه احسن است. احسان مصدر باب افعال بمعنی نیکی کردن است مانند «لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (بقره/ ۸۳) افعال این ماده در قرآن مجید همه از باب افعال آمده مگر در سه موضع که از ثلاثی بکار رفته است نحو «وَوَحَّشَ أُولَئِكَ رَفِيقًا» (نساء/ ۶۹) و دو مورد دیگر (کهف/ ۳۱) و (فرقان/ ۷۶) است. محسن: نیکو کار. محسنین: نیکو کاران. محسنات: زنان نیکو کار. به نظر می آید که این اسماء فاعل در قرآن به جای صفت مشبیه به کار رفته اند و از آن ها ثبوت اراده شده است چنان که با مراجعه روشن خواهد شد. «أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ» (نساء/ ۱۲۵). «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (بقره/ ۱۹۵). «لِلْمُحْسِنَاتِ مِنْكُنَّ أَجْرٌ عَظِيمًا» (احزاب/ ۲۹) «محسنات» در قرآن فقط یک بار آمده است. اینک چند آیه را بررسی می کنیم: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَى...» (نحل/ ۹۰) احسان بالاتر از عدل است زیرا عدل آنست آنچه بر عهده دارد بدهد و آنچه برای اوست بگیرد. ولی احسان آن است بیشتر از آنچه بر عهده دارد بدهد و کمتر از آنچه برای اوست بگیرد. اختیار عدل واجب ولی اختیار احسان مستحب است. از واژه ها و مفاهیمی که در قرآن کریم به

صورت فراوان به کار رفته، واژه «احسان» و «محسنین» است، تا حدّی که از مشتقات ریشه اصلی این واژه (ح - س - ن) جمعاً ۱۹۴ کلمه در قالب ۲۸ ریخت و صورت، به کار رفته است. کلمه «احسان» با مشتقاتش، ۳۴ بار و واژه «محسن» با مشتقاتش ۳۹ بار در قرآن کریم آمده است. احسان معمولاً به معنی نیکوکاری تفسیر می‌شود، ولی گاه معنی وسیع‌تری برای آن ذکر شده و آن هر گونه عمل صالح، بلکه انگیزه‌های عمل صالح است چنان که در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می‌خوانیم که در تفسیر احسان فرمودند: «ان تعبد الله کانک تراه فان لم تکن تراه فانه یراک» "احسان آن است که خدا را آن چنان پرستش کنی که گویی او را می‌بینی و اگر تو او را نمی‌بینی او تو را می‌بیند" (قطب، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۲۷۶). بدیهی است هنگامی که انسان، چنان ایمان به خدا داشته باشد که گویی او را می‌بیند و او را در همه حال حاضر و ناظر بداند به سراغ اعمال صالح می‌رود، و از هر گونه گناه و معصیت خودداری می‌نماید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۴۰).

### تحلیل آثار احسان به دیگران بر پایه آموزه‌های قرآنی

یکی از روش‌های شناخت اهمیت و جایگاه موضوع، فهمیدن آثار، ثمرات و نقش آن در حوزه انسانی است. برای آن که از آثار احسان و نیکوکاری در آموزه‌های قرآنی به شکل درستی آگاه شویم، بهتر آن است که به آثار دنیوی- اخروی و مادی- معنوی احسان اشاره‌ای داشته باشیم نیکوکاری هم آثار دنیوی و هم آثار اخروی فراوانی دارد از جمله **آثار دنیوی**، امداد خدا، بشارت قرآن، دوستی میان انسان‌ها، سعادت دنیوی، عفت و غیره که با توجه به آیات مورد بررسی قرار می‌گیرند. **آثار دنیوی** دیگری همچون همگرایی اجتماعی، تقلیل فقر و مستمندان، برطرف شدن مشکلات گرفتاران، حل دعا و نزاع‌ها، شاداب بودن روحیه خیرین، مورد محبت و احترام مردم گرفتن نیکوکاران و غیره است. **آثار اخروی** مانند تکفیر گناهان، رحمت، رستگاری، سعادت، محبوبیت، فرجام نیک، رفع مواخذه، نجات از عذاب و غیره را شامل حال انسان می‌نماید که علاوه بر این‌ها داخل شدن از در بهشت که به نام معروف است که تنها نیکوکاران از آن داخل بهشت می‌شوند. آثار مشترک دنیا و آخرت وجود دارد؛ مانند آرامش، اجابت دعا، پاداش، راه مطمئن، فرجام نیک و غیره.

از جمله پاداش‌های نیکوکاری در آموزه‌های قرآنی، برخورداری از همسران خوب (احزاب/ ۲۸، ۲۹)، آبرومندی در قیامت (یونس/ ۲۶)، امتنان و منت الهی (یوسف/ ۹۰)، امداد و یاری خاص خدا و پیروزی و نصرت بر دشمنان (صافات/ ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۲۱)، بقای نسل بر روی زمین (صافات/ ۷۵، ۷۷، ۸۰)، بهشت و بهره‌مندی از نعمت‌های مادی و معنوی آن (مرسلات/ ۴۱، ۴۴)، تحیت الهی (صافات/ ۷۵، ۱۳۱) حکمت و دانش خاص و نظر درست و صائب (یوسف/ ۲۲؛ قصص/ ۱۴)، برخورداری از دانش و کتاب الهی (صافات/ ۱۱۴، ۱۱۷، ۱۲۱)، برخورداری از منزلت اجتماعی و قدرت سیاسی (یوسف/ ۵۶) برخورداری از منصب داوری (یوسف/ ۲۲)، موفقیت در آزمون الهی و توفیق او (صافات/ ۱۰۵، ۱۰۶)، برخورداری از نام نیک (صافات/ ۷۵، ۷۸، ۸۰) و رهایی از اندوه و غم بزرگ و ... اشاره کرد. ریشه و منشأ نیکوکاری را باید در ایمان حقیقی افراد دانست؛ زیرا تنها مؤمنان با پذیرش خالقیت و ربوبیت الهی و نیز باور به روز رستاخیز و مسئله پاداش و کیفر در آخرت است که به احسان روی می‌آورند و به‌عنوان بنده خاص الهی در خدمت به دیگران می‌کوشند و از هیچ کوشش و تلاشی برای رفع و دفع نیازهای متنوع دیگران دست نمی‌کشند. «هُدًی وَرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ» (لقمان/ ۳)؛ که سراسر هدایت و رحمتی است برای نیکوکاران. قرآن به سوی واقع و حق هدایت می‌کند، آن‌گاه محسنین را توصیف و معرفی نموده به این که نماز می‌خوانند و زکات می‌دهند که دو رکن مهم عمل هستند و به این که دارای ایقان به آخرت‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۳۱۳). مقصود از «محسنین» کسانی هستند که

تمام کارهای نیک را انجام می‌دهند (تفسیر جوامع الجامع، ج ۵، ص ۵۷). بعد هدف نهایی نزول قرآن را با این عبارت بازگو می‌کند: این کتاب حکیم مایه هدایت و رحمت برای نیکوکاران است هدایت در حقیقت مقدمه‌ای است برای رحمت پروردگار، چرا که انسان نخست در پرتو نور قرآن حقیقت را پیدا می‌کند و به آن معتقد می‌شود و در عمل خود آن را به کار می‌بندد و به دنبال آن مشمول رحمت واسعه و نعمت‌های بی‌پایان پروردگار می‌گردد قابل توجه این که در این جا قرآن، مایه هدایت و رحمت محسنین شمرده شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۷، ص ۱۰). «أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (لقمان / ۵)؛ «اینانند که از سوی پروردگارشان بر بلندای هدایتند، و اینانند که رستگارانند». در این آیه عاقبت و سرانجام کار محسنین را چنین بیان می‌کند: آن‌ها بر طریق هدایت پروردگارشان هستند، و آن‌ها رستگارانند. از یک سو نشان می‌دهد که هدایت آن‌ها از طرف پروردگارشان تضمین شده است، که تنها راه رستگاری، همین راه است، راه نیکوکاران، راه آن‌ها که با خدا و خلق خدا در ارتباطند، و راه آن‌ها که به مبدء و معاد ایمان کامل دارند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۷، ص ۱۱). این‌ها نتیجه اعمال آن‌هاست، «هم» مفید حصر است یعنی فقط آن‌ها اهل فلاح هستند (قرشی بنابی، بی تا، ج ۸، ص ۲۳۹). «اولئک» اشاره است به کسانی که دارای این اوصاف سه گانه باشند به پای داشتن نماز و عطاء کردن زکاة و یقین به آخرت و این اشخاص از طرف پروردگارشان از هدایت شدگان و رستگارانند ظاهراً تکرار (امین، بی تا، ج ۱۰، ص ۱۲۶). و اسلام به عنوان کامل‌ترین و جامع‌ترین دین الهی رستگاری انسان‌ها را در قرآن بیان کرده و در ضمن آیات مربوطه از صفات و علائم رستگاران و سعادت‌مندان واقعی و اخروی سخن نموده که البته رستگاری از هر دو بعدش، هم دنیوی و هم اخروی مدنظر بوده... یفلحون یعنی رستگاران به مقصودشان و این شامل معنای فلاح است (ابن عطیه، ج ۲، ص ۴۶۵). گاهی واژه سعادت مساوی با فلاح است. و از آن جا که حیات اخروی جاودانی و ابدی است از اهمیت بیشتری برخوردار است. از آنجا که خدای متعال رسیدن به کمال و سعادت را در اختیار انسان قرار داده و به مقتضای آیه "ثُمَّ السَّبِيلَ يَسْرَهُ" کار رسیدن به سعادت را سهل و آسان کرده است. علامه می‌فرماید: راه وصول به سعادت همان ایمان به خدا و عمل صالح است که از روی اراده و اختیار انسان صادر می‌شود و سعادت و شقاوت، ذاتی انسان نیست، بلکه امری است اکتسابی و این انسان است که یا سعادت‌مند می‌شود، یا اهل شقاوت. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۱۲). هدایت: «هُدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ» (لقمان / ۳)؛ که سراسر هدایت و رحمتی است برای نیکوکاران. و آمده: «أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (لقمان / ۵)؛ اینانند که از سوی پروردگارشان بر بلندای هدایتند، و اینانند که رستگارانند.

#### ۱. دوستی

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا تَسْتَوِی الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِیْ هِیَ اُحْسَنُ فَاِذَا الَّذِیْ بَیْنَكَ وَبَیْنَهُ عَدَاوَةٌ کَاَنَّهُ وَلِیٌّ حَمِیمٌ» (فصلت / ۳۴)؛ نیکی و بدی یکسان نیست [بدی را] با بهترین شیوه دفع کن؛ [با این برخورد متین و نیک] ناگاه کسی که میان تو و او دشمنی است [چنان شود] که گویی دوستی نزدیک و صمیمی است. احسن القول عبارت است از دعوت به سوی خدا، و چون قائم به چنین دعوت در درجه اول رسول خدا (ص) بود، و نزدیک ترین راه دعوت به سوی خدا، و مؤثرترین آن عبارت از طرز دعوتی است که بیشتر در دلها اثر بگذارد، و فرمود: دعوت به سوی خدا با داشتن خصلت نیک، و با نداشتن آن، و داشتن خصلت بد یکسان و تاثیرش در نفوذ برابر با هم نیست و کلمه لا در جمله و لا که تنها خاصیت تاکید را دارد، و نفی را تاکید می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۵۹۴). خدای رحمان به آن رحمت عامی که نسبت بمخلوقات و بندگان خود دارد بنبی رحمت خود که مظهر و نماینده رحمت رحمانی او است و او را متصف به صفت «رحمة للعالمین»

گردانیده است (امین، بی تا، ج ۱۱، ص ۳۳۲). و مساوی و برابر نیست ملت نیکو که دین اسلام و توحید است (شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۱۱، ص ۳۷۳). همچنین اعمال صالح با اعمال طالح و ناپسند یکسان نخواهد بود به همین قیاس هرگز در دعوت به توحید و ارشاد مردم به فضایل به سخنان ملائم و رفیق یکسان نخواهد بود (حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ج ۱۴، ص ۴۲۷). روح انسان، در سایه مودت و مهرورزی، شکوفا و مصفا می شود. نیاز به «دوستی» در عمق جان آدمی نهفته است. وقتی با کسی طرح دوستی می ریزد و از این در زندگی بهره می برد، طعم شیرین حیات را بهتر می چشد و از احساس غربت در می آید. ناتوان ترین مردم کسی است که از به دست آوردن برادران و دوستان ناتوان باشد و ناتوان تر از او کسی است که دوستی را که به دست آورده است، از دست بدهد و تباه کند (نهج البلاغه/ حکمت ۱۴۲). حال که عشق و دوستی، به هم رنگی و همراهی می کشد، دوستی خدا و رسول و امامان و پاکان و صالحان را برگزینیم که هم در دنیا «حیات طیبه» داشته باشیم، هم در آخرت و قیامت، این عشق و محبت، شفیع ما گردد و به فوز و فلاح ابدی برسیم و با ابرار و نیکان محشور گردیم. پس، حساب شده تر و گزیده تر دوستی کنیم و مهر بورزیم (دوستی، ص ۴۵).

## ۲. محبوبیت

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (بقره/ ۱۹۵)؛ و در راه خدا انفاق کنید و [ با ترک این کار پسندیده، یا هزینه کردن مال در راه نامشروع ] خود را به هلاکت نیندازید، و نیکی کنید که یقیناً خدا نیکوکاران را دوست دارد. در این آیه لزوم انفاق در راه خدا بیان می شود و می فرماید: در راه خدا انفاق کنید یعنی از مال های خویش در راه جهاد و دین و هر آنچه خدا بدان فرمان داده است انفاق کنید کلمه «سبیل» به معنای راه است و راه خدا همان راه رحمت و ثواب است و امام باقر علیه السلام می فرماید که اگر کسی تمام آنچه دارد در راه خدا انفاق کند کار درست و خوبی نکرد و به این آیه کریمه عمل ننموده است «وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» نیکی کنید که خدا نیکوکاران را دوست می دارد منظور از این نیکوکاری در اینجا: اقتصاد و میانه روی است و نیکوکاران همان مقتصدان و میانه روان اند «عکرمه» میگوید معنای آیه اینست نیک کنید گمان خود را به پروردگارتان تا خدا بشما نیکی کند (طبرسی، بی تا، ج ۲، ص ۲۳۸). «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (آل عمران/ ۱۳۴)؛ آنان که در گشایش و تنگ دستی انفاق می کنند، خشم خود را فرو می برند، و از [خطاهای] مردم در می گذرند؛ و خدا نیکوکاران را دوست دارد. «اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» اشاره است به این که آن چه از اوصاف ذکر شد در حقیقت معرف متقین است، و این متقین معرفی دیگر در دو مرحله دارند، و آن عبارت است از کلمه محسنین که در مورد انسان ها معنایش نیکوکاران به انسان ها است، و در مورد خدای تعالی معنایش استقامت و تحمل راه خدا است، که در این باره در جای دیگر قرآن می خوانیم: «وَبَشِّرِ لِلْمُحْسِنِينَ إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» بلکه احسان در آیات احقاف، اصل و ریشه است برای احسان به مردم، چرا که اگر احسان به خلق، برای خدا نباشد نزد خدا هیچ ارزشی ندارد، آری از آیات سابق از قبیل آیه «مَثَلُ مَا يُنْفِقُونَ فِي هَذِهِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» و امثال آن بر می آید که احسان به مردم زمانی در نزد خدا دارای منزلت است که برای رضای او انجام می هیم (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۲۸). «فَأَتَى هُمُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَحَسَنَ ثَوَابِ الْآخِرَةِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (آل عمران/ ۱۴۸)؛ پس خدا پاداش این دنیا و پاداش نیک آخرت را به آنان عطا فرمود؛ و خدا نیکوکاران را دوست دارد. یعنی خدا در دنیا پیروشان گردانید، مدافعان شرک را کنار زدند، و هم ثواب نیکوی آخرت را بآنها داد، زیرا که نیکوکار شدند و نیکوکاران مورد الطاف و عنایات خدا هستند «حسن» در اینجا اسم است به معنی نیکو و صفت



ثواب می باشد، اشاره به آنکه ثواب آخرت بهتر از ثواب دنیا است نیکوکاران را (قرشی بنایی، بی تا، ج ۲، ص ۲۰۲). و خدا نیکوکاران را دوست دارد و به این ترتیب یک درس زنده از برنامه مجاهدان امتهای پیشین و سرانجام کار آنها و چگونگی برخورد آنها با مشکلات و پیروزی بر آنها برای تازه مسلمانان بیان می کند، و آنها «اللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ» و در آیه دیگر می فرماید «وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» اشاره به اینکه نیکوکاری بدون استقامت ممکن نیست، زیرا در برابر هر شخص نیکوکار، هزاران مشکل وجود دارد که اگر فاقد استقامت باشد به زودی کار خود را رها خواهد ساخت در آیاتی از پاداش دنیا تعبیر به «ثَوَابِ الدُّنْيَا» شده اما از پاداش آخرت تعبیر به «حُسْنِ ثَوَابِ الْآخِرَةِ» شده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۱۲۲).

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «فَبِمَا نَقْضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (مائده/ ۱۳). پس آنان را به سبب پیمان شکستنشان لعنت کردیم، و دل هایشان را بسیار سخت گردانیدیم، [تا جایی که] کلمات خدا را از جایگاه اصلی اش و معنای حقیقی اش تغییر می دهند، و بخشی از آنچه را [از معارف و احکام تورات واقعی] که به وسیله آن پند داده شدند، از یاد بردند [و نادیده گرفتند]، و همواره از اعمال خائنانه آنان جز اندکی از ایشان [که وفادار به پیمان خداوند] آگاه می شود؛ پس [تا نزول حکم جهاد] از آنان درگذر و [از مجازاتشان] روی گردان؛ زیرا خدا نیکوکاران را دوست دارد.

در این آیه اشاره به پیمان شکنی آنها و عواقب این پیمان شکنی می کند و میفرماید: چون آنها پیمان خود را نقض کردند ما آنها را طرد کردیم و از رحمت خود دور ساختیم و دلهای آنها را سخت و سنگین نمودیم (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۳۱۱). بر کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته انجام داده اند نسبت به آنچه [پیش از حکم تحریم، از مسکرات و منافع قمار و سایر مُحَرَّمات] خورده اند، گناهی نیست، هرگاه بپرهیزند و ایمان [واقعی] آورند و [خالصانه] کارهای شایسته انجام دهند؛ سپس پرهیزکاری را تداوم بخشند و ایمان خود را ادامه دهند، و بر پرهیزکاری پافشاری ورزند و کار نیک بجا آورند؛ و خدا نیکوکاران را دوست دارد. می گوید: سپس تقوا پیشه کنند و ایمان بیاورند «ثُمَّ اتَّقُوا وَآمَنُوا» و برای سومین بار با کمی تفاوت همین موضوع را تکرار نموده، می گوید: سپس تقوا پیشه کنند و نیکی نمایند «ثُمَّ اتَّقُوا وَاحْسِنُوا» و در پایان آیه می فرماید: خداوند نیکوکاران را دوست می دارد «وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۷۷). اینجا برای سلب گناه نسبت به خوردنی های مؤمنان ده گام طی شده، سه مرتبه ایمان، سه مرتبه تقوی، دومرتبه عمل به صالحات و دومرتبه احسان یاد شده است، و اعمال شایسته ای که جنبه ایجابی دارند می باشد، و تقوی جنبه سلبی است و شامل ایجابی نیز می باشد، و احسان، احسان در ایمان و عمل شایسته و تقوی را در بر می گیرد، و در هر صورت تکامل این مراحل چهارگانه با تکرارهای موجود نشانگر این است (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۹۸). جوان سخاوتمندی که در گناه غوطه ور است، نزد خداوند از پیر عابد بخیل محبوب تر است. جوانی که آلوده به گناه است، اما یک صفت خوبی دارد؛ اگر موقعیتی پیش بیاید به پدر و مادرش احسان می کند، به یتیمان کمک می کند، چون آن جوانخیرش به دیگران می رسد، ولی از این پیر عابد خیری سر نمی زند (فرحزاد، ۱۳۹۳، ص ۶۳). یکی از برکات صدقه دادن، جذب دلهاست. انسان محبوب دلها می شود. همه آدم سخی و سخاوتمند را دوست دارند. خداوند، مرا محبوب در زمین و آسمان قرار ده! همه انسان ها فطرتا دوست دارند محبوب دلها شوند. چیزی که نزد خدا و انبیا و همه انسانها، حتی بدهاست، این است که انسان سخی را دوست دارند. بخل و خساست آدم را از دلها و نظرها می اندازد. صدقه و احسان مقبولیت و محبوبیت ایجاد می کند. انسان می تواند با سخاوت و صدقه و انفاق دلها را جذب کند و مشمول دعای همه شود (همان، ص ۲۰۳).



## ۳. عفت

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَرَأَوْدَتْهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَغَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ» (یوسف/ ۲۳)؛ و آن [زنی] که یوسف در خانه اش بود، از یوسف با نرمی و مهربانی خواستار کام جویی شد، و [در فرصتی مناسب] همه درهای کاخ را بست و به او گفت: پیش بیا [که من در اختیار توام] یوسف گفت: پناه به خدا، او پروردگار من است، جایگاهم را نیکو داشت، [من هرگز به پروردگارم خیانت نمی‌کنم] به یقین ستمکاران رستگار نمی‌شوند. عفت یعنی خویشتن داری از آن چه که حلال و زیبا نیست. عفاف همان مجاهده درونی برای غلبه ارزشهاست. بنابراین، تلاش درونی انسان برای حاکمیت خوبیها و محسنات در سیطره وجودش عفت است و چون تقویت عفت موجب پاکی و نزهت است. هر مقدار که انسان عفیف باشد به عالم قدس و ملائک نزدیک تر است، از این رو، انسان عفیف در جایگاه ملائکه است. بنابراین عفت موجب عبور انسان از عالم ملک به عالم ملکوت می‌گردد (خیمه عفاف، ص ۷۸).

## ۴. فرجام نیک

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَنْ يُسْلِمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ وَإِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (لقمان/ ۲۲)؛ هرکس همه وجود خود را به سوی خدا کند در حالی که نیکوکار باشد بی تردید به محکم ترین دستگیره چنگ زده است؛ و سرانجام همه کارها فقط به سوی خداست. این جمله استینافی است و احتمال هم دارد که حال از مفعول یدعوهم باشد، و در معنای جمله حالیه ضمیری به ایشان برگردد، که در این صورت معنای آیه و ما قبلش این است که: آیا حتی اگر شیطان ایشان را دعوت به فلان و فلان کرده باشد، در حالی که هر کس محسن باشد و روی خود تسلیم به سوی خدا کرده باشد نجات یافته، و رستگار است و نیز در حالی که عاقبت امور به سوی خدا راجع است، پس واجب می‌شود که همو معبود باشد و اسلام وجه به سوی خدا، به معنای تسلیم آن برای اوست، به این معنا که انسان با همه وجودش رو به خدا کند و او را پرستش نماید، و از ما سوای او اعراض کند، و کلمه محسن اسم فاعل از مصدر احسان است، و احسان به معنای به جا آوردن اعمال صالح است با داشتن یقین به آخرت، (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۳۴۴). تعبیر به «هُوَ مُحْسِنٌ» از قبیل ذکر عمل صالح بعد از ایمان است چنگ زدن به دستگیره محکم تشبیه لطیفی از این حقیقت است که انسان برای نجات از قعر دره مادیگری و ارتقاء به بلندترین قله های معرفت و معنویت و روحانیت نیاز به یک وسیله محکم و مطمئن دارد این وسیله چیزی جز ایمان و عمل صالح نیست، غیر آن، همه پوسیده و پاره شدنی و مایه سقوط و مرگ است، علاوه بر این آنچه باقی می ماند این وسیله است، و بقیه همه فانی و نابود شدنی است و لذا در پایان آیه می‌فرماید: عاقبت همه کارها به سوی خدا است «وَإِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۷، ص ۶۷). پس چه کسی به دستگیره استوار چنگ می‌زند؟ «عروة الوثقی»؛ یعنی دستگیره محکمی که هرگز پاره نمی‌شود و آن کنایه از قرآن، ریسمان الهی و خشنودی اوست (مغنیه، ۱۳۷۸، ج ۶، ص ۲۷۶).

## ۵. رحمت

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ» (اعراف/ ۵۶)؛ در زمین پس از اصلاح آن [به وسیله رسالت پیامبران] فساد مکنید، و خدا را از روی بیم و امید بخوانید، که یقیناً رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است. «إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ» اعتدال در عبادت و اجتناب از

فساد در روی زمین بعد از اصلاح آن را احسان خوانده، و کسانی را که به این دستورات عمل کنند محسنین نامیده، که رحمت خدا نزدیک به آنان است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۱۹۸). همچنین آیه ۳ لقمان نیز در مورد رحمت خداوند است. یعنی اصل بر رحمت و رأفت است و خشونت یک استثناء می باشد! و بدی را با خوبی پاسخ دهید! خداوند متعال می فرماید: «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ» (الرحمن / ۶۰)؛ آیا جزای نیکی جز نیکی است؟! این آیه شریفه، که سرشار از محبت و رحمت و دوستی است، به عنوان یک شعار اسلامی ما مسلمانان می باشد (مومنون / ۹۶). رحمت اسلامی، فراتر از مسلمانان که آیه می فرماید: «قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (جاثیه / ۱۴). اما در مورد مراعات حقوق نیازمندان یکی از بهترین موارد احسان، خدمت به افراد آبرومندی است که می دانیم واقعا نیاز دارند و گرفتارند. اگر ما این طور به هم ملاطفت کنیم، خدا هم رحم می کند (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۲). که صفت "رحمان"، اشاره به رحمت عام خدا است که شامل دوست و دشمن، مؤمن و کافر و نیکوکار و بدکار می باشد، زیرا می دانیم "باران رحمت بی حسابش همه را رسیده، و خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده" همه بندگان از مواهب گوناگون حیات بهره مندند، و روزی خویش را از سفره گسترده نعمت های بی پایانش بر می گیرند (احزاب / ۴۳) (ر. ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۲).

## ۶. نجات از عذاب

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «أَوْ تَقُولَ حِينَ تَرَى الْعَذَابَ لَوْ أَنِّي كُنتُ مِنَ الْمُحْسِنِينَ» (زمر / ۵۸)؛ یا آنکه چون عذاب (خدا) را به چشم مشاهده کند گوید: (ای فریاد) کاش بار دیگر (به دنیا) باز می گشتم تا از نیکوکاران می شدم. آدم سخی، اگر هم مسلمان نشد و از دنیا رفت، به خاطر سخاوتش آتش جهنم او را نمی سوزاند. چون صفت خدا در اوست و خدا او را دوست دارد. اصلا در روایت آمده است: «السَّخِيُّ لَا لَأَ يَدْخُلُ النَّارَ وَلَوْ كَانَ كَافِرًا» (شهید ثانی، ۱۳۷۷، ص ۳۳۲). با فضیلت ترین چیزی که توسل جویندگان نزد خدا به آن توسل می جویند... یکی هم صدقه پنهانی است که بدیها را از بین می برد و خشم پروردگار را خاموش می کند. اگر انسان ناهنجاری هایی دارد که باعث غضب خداست، با صدقه دادن توفیق پیدا می کند که آنها را کنار بگذارد تا خشم خدا خاموش شود. یعنی صدقه دادن پنهانی رحمت خدا را جذب و خشم خدا را خاموش می کند (فرحزاد، ۱۳۹۳، ص ۲۰۰).

## ۷. اجابت دعا

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «وَمَا كَانَ قَوْلُهُمْ إِلَّا أَن قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» (آل عمران / ۱۴۷)؛ و سخن آنان [در گرما گرم و سختی جنگ] جز این نبود که گفتند: پروردگارا! گناهان ما و زیاده روی در کارمان را بر ما ببخش و قدم هایمان را استوار بدار و ما را بر گروه کافران یاری. و نصرت فرما ما را بر کفار به انداختن ترس در قلوب آنان بیان: درخواست دعای ایشان مشتمل بر چند چیز است ۱- آمرزش گناهان ۲- درگذشتن از تجاوز حدود اوامر ۳- تقاضای ثبات قدم در ایمان ۴- نصرت بر دشمنان دین تتمه: آیه شریفه دستور کلی است برای مؤمنین که در امورات شرعیه صبر را پیشه نموده و از خدای تعالی طلب آمرزش نمایند و به خلوص نیت، از درگاه سبحانی اجابت دعوات و تثبیت بر مشاق طاعات و عبادات را بنمایند تا به توفیق و نصرت ربانی فائز و رستگار گردند (شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۲۶۹). دعا، یکی از مهم ترین پل های ارتباطی بین انسان و خالق هستی است و می توان آن را بزرگرایی به سوی خداوند دانست. دعا فقط حاجت خواستن نیست، دعا یعنی گفت و گو و انس و ارتباط با خدا. (نساء / ۳۲) از فضل و رحمت و برکت

خدا، برای رفع تنگناها درخواست کنید (غافر/ ۶۰). مرا بخوانید تا دعای شما را اجابت کنم (دعا از قرائت قرآن برتر است. خداوند دوست دارد از او درخواست شود (فرحزاد، بی تا، ص ۲۵/۲۶). خداوند می فرماید: ای بنده من، تو مرا خواندی و دعا کردی، و من اجابت را به تأخیر انداختم. اکنون ثواب تو چنین و چنان است... پس مؤمن آرزو می کند که ای کاش هیچ دعایی از او در دنیا اجابت نمی شد، از بس پاداش نیکو می بیند! (همان، ص ۸۴).

#### ۸. اتمام نعمت

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «ثُمَّ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ تَمَامًا عَلَى الَّذِي أَحْسَنَ وَتَفْصِيلًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَّعَلَّهُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ» (انعام/ ۱۵۴)؛ بعضی از مفسران گفته اند که الَّذِي أَحْسَنَ اشاره به تمام کسانی است که نیکوکارند و آماده پذیرش حق و قبول فرمان خدا و در آن هر چیز که مورد نیاز بود، و در مسیر تکامل انسان اثر داشت، بازگو کرده «و تَفْصِيلًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» و نیز این کتاب، که بر موسی نازل شد، مایه هدایت و رحمت بود تمام این برنامه ها به خاطر آن بود که در روز رستاخیز و لقای پروردگار ایمان بیاورند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۴۰). این وجه از ابو مسلم و مورد قبول مغربی است تَمَامًا عَلَى الَّذِي أَحْسَنَ: در باره این قسمت نیز وجوهی گفته اند: ۱- ربیع و فراء گویند: یعنی تورات را بموسی دادیم تا احسان او کامل شود و در آخرت به پاداش کامل برسد ۲- مجاهد گوید: یعنی تورات را به موسی دادیم تا نعمت خود را بر نیکو کاران تمام کنیم ۳- ابن زید گوید: یعنی تورات را به موسی دادیم تا احسان خود را بر پیامبران تمام کرده باشیم ۴- قتاده و حسن گویند: یعنی منظور ما از دادن تورات به موسی این بود که نعمت خود را در بهشت بر کسی که در دنیا نیکی کرده است، تمام کنیم ۵- جبائی گوید: یعنی تورات را بموسی دادیم تا نعمت نبوت را بر او کامل گردانیم (طبرسی، بی تا، ج ۹، ص ۱۸).

#### ۹. تکفیر گناهان

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَيِ النَّهَارِ وَزُلْفًا مِّنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ أَلْسِيَّاتِ ذَلِكَ ذِكْرَى لِلَّذِينَ» (هود/ ۱۱۴)؛ نماز را در دو طرف روز و ساعات نخستین شب برپا دار که یقیناً نیکی ها بدی ها را از میان می برند، این برای یادکنندگان تذکر و یادی است. امر به نماز و صبر که مهمترین عبادات و اخلاقیات هستند و اما نمازها حسناتی است که در دلهای مؤمنین وارد شده و آثار معصیت و تیرگیهایی که دلهايشان از ناحیه سیئات کسب کرده از بین می برد، «ذَلِكَ ذِكْرَى لِلَّذِينَ» یعنی اینکه گفته شد که حسنات سیئات را از بین می برد به خاطر اهمیتی که دارد و برای بندگانی که به یاد خدا هستند مایه تذکر است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۷۷). «إِلَّا مَن ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلَ حَسَنًا بَعْدَ سُوءٍ فَأِنِّي غَفُورٌ رَّحِيمٌ» (نمل/ ۱۱)؛ آن نماید از عذاب من در امان است و نباید بترسد؛ زیرا من بسیار آمرزنده و مهربانم. مگر کسانی که ستم کرده اند و سپس در مقام توبه و جبران برآیند و بدی را تبدیل به نیکی کنند که من غفور و رحیمم، توبه آنها را پذیرا می شوم و به آنان نیز امنیت می بخشم (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۴۰۹). پیامبران هیچ گونه هراسی ندارند؛ زیرا آنان نه بر خود ستم کرده اند و نه بر دیگران آن که باید بترسد. (مغنیه، ۱۳۷۸، ج ۶، ص ۲۵). «لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ» (زمر/ ۳۴)؛ برای آنان نزد پروردگارش آنچه بخواهند فراهم است؛ این است پاداش نیکوکاران. آیه نخست می فرماید: آنچه بخواهند نزد پروردگارش برای آنها موجود است و این است جزای نیکوکاران. که تمام مواهب معنوی و نعمتهای مادی را شامل می شود، آنچه در تصور و وهم ما بگنجد یا نگنجد؟ می دانیم پاداشهای آخرت و حتی تفضلهای الهی بر اساس شایستگی هایی است که انسان در این دنیا کسب می کند، کسی که می داند ایمان و عملش در این دنیا در سرحد ایمان و عمل دیگران نبوده

۱۰. امداد خدا

۷۲

امداد می کند به همین معنا است؛ زیرا آن چه انسان در تحقق عمل خود به آن نیازمند است، مانند علم، اراده، ابزار بدنی و مواد خارجی، که عمل بر آن ها واقع می شود و عامل با عمل خود در آن ها تصرف می کند همگی امور تکوینی اند که آدمی در ایجاد آن ها دخالتی ندارد و اگر یکی از آن ها نباشد، عمل انسان تحقق نمی یابد. این خداوند است که اسباب زمینه ها و نیز خود عامل و نیروهای او را آفریده و هر لحظه به آن ها وجود می بخشد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۶۶). و رحمت رحیمیه عبارت است از الطاف و دستگیری های خاصی که یک موجود مکلف در اثر حسن انجام وظیفه مستحق آن می گردد. لطف خاصی است که بر اساس ضابطه ی خاصی شامل حال انسان ها می گردد: «و کان بالمؤمنین رحیماً». پیامبران آمده اند که ما را به این گونه مدد های غیبی مؤمن نمایند، اگر چنین ایمانی در ما پیدا شود ما عملاً با خداوند وارد معامله می شویم و احساس می کنیم که اگر نیکی کنیم خداوند نیز به ما پاداش نیک می دهد و بر عکس اگر بدی کنیم به ما کیفر می دهد (مطهری، بی تا، ج ۳، ص ۳۴۴). امدادهای غیبی و قرآن که اشاره به این دارد در قرآن مسایلی هست که با جهان غیب بستگی دارد. پیوند این امور با پدیده های مادی و طبیعی توجیه ناپذیر است. معجزه های انبیا، وجود ملایکه، روح، قیامت، عالم برزخ و... از اموری غیبی اند که قرآن بارها از وجود آن ها خبر می دهد (ابراهیم / ۷). و حالت روانی، نوعی امداد الهی است که در پرتو آن، آدمی سخت ترین پیش آمدها را تحمل می کند و آرامش قلبی میابد (درگاه زاده، ۱۳۸۱، ص ۹۲).

#### ۱۱. بشارت قرآن

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «وَمِن قَبْلِهِ كَتَبَ مُوسَى إِمَامًا وَرَحْمَةً وَهَذَا كِتَابٌ مُّصَدِّقٌ لِّسَانِ عَرَبِيٍّ لِّیُنْذِرَ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَبُشْرَى لِلْمُحْسِنِينَ» (احقاف / ۱۲)؛ چگونه یک دروغ قدیمی است [در حالی که پیش از آن کتاب موسی پیشوا و رحمت بود] از نزول آن بر پیامبر اسلام خبر داده، و این قرآن تصدیق کننده [آن] است در حالی که به زبان عربی [فصیح و گویا] است تا ستمکاران را بیم دهد، و برای نیکوکاران بشارتی باشد. چگونه کفار و بت پرستان آیات قرآنی را انکار می نمایند در حالی که توریۀ کتاب آسمانی بر موسی کلیم علیه السلام نازل شده بنی اسرائیل نیز از آن پیروی می نمودند و قرآن کریم نیز کتاب آسمانی معجزه آسا و بلغت عربی شیوا است کتاب توراۀ را تصدیق می نماید لِّیُنْذِرَ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَبُشْرَى لِلْمُحْسِنِينَ: و غرض از نزول آیات کریمه قرآنی بناگذاری مکتب عالی توحید و دعوت جامعه بشر به پیروی از برنامه اعتقادی و اخلاقی و عملی آن است و نیز تهدید متمردان و مژده به پیروان که برنامه مکتب را پذیرفته و نیکوکار هستند. (حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ج ۱۵، ص ۲۵۵).

#### ۱۲. سعادت دنیوی

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «وَقِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا خَيْرًا لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ وَلَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ» (نحل / ۳۰). به آنان که از شرک و معصیت، پرهیز کردند، گفته می شود: پروردگار شما چه نازل کرده است؟ گویند: خیر، زیرا قرآن، سراسر هدایت و شفا و خیر است «لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ»: ممکن است این جمله، آغاز کلام خداوند باشد، نه دنباله کلام پرهیزکاران یعنی: برای نیکوکاران در این دنیا نیکی است، تا پاداش آنها باشد یعنی نتیجه نیکوکاری، هدایت و توفیق است «وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ»: اما پاداشی که در آخرت، به آنها داده می شود، بهتر از پاداش دنیوی ایشان است ممکن است همه این مطالب، از گفتار متقین باشد و مردمی که با ادای واجبات و اجتناب از محرمات، تقوی پیشه کردند، نیکوخانه ای دارند یعنی مردم متقی در دنیا خانه خوبی دارند، زیرا عملی در آن انجام می دهند که موجب

پاداش است (طبرسی، بی تا، ج ۱۳، ص ۲۵۰). نیکوئی را مراد قرآن است که جامع جمیع خیرات و حاوی تمام حسنات و برکات و نیکوئیهای دینی و دنیوی و خوبیهای صوری و معنوی ناشی از او باشد حاصل آیه شریفه آن که: چون مؤمنان را از حال قرآن پرسند، ایشان معترف به نزول آن شده، گویند: مجمع خیرات است که آن احکام حلال و حرام و اوامر و نواهی باشد، برخلاف اهل کفر که اقرار به آن ننموده گویند: اساطیر الاولین است فرمایش خدا و رسول را «فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ» در این دنیا جزا باشد به نیکوئی از حفظ مال و جان و حرمت و نصرت، و ممکن است که (لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا) ابتدای کلام باشد از خدای تعالی، یعنی برای نیکوکاران در این دنیا نیکی جزای آنها باشد و آن ثنا و مدح در زبانهای مؤمنین، و هدایت و توفیق یافتن به احسان و لَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ: و ثواب ایشان در سرای دیگر بهتر است از این نعم، یعنی آنچه در قیامت به آنها عطا شود از نعم باقیه، بهتر باشد از آنچه در دنیا به ایشان مرحمت شده از نعم فانیه و لِنِعْمِ دَارُ الْمُتَّقِينَ (شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۷، ص ۱۹۱). آیه دیگری (آل عمران / ۱۴۸) به این مورد اشاره دارد: «قُلْ يَعْبادُ الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَأَرْضُ اللَّهِ وَسِعَةٌ إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (زمر / ۱۰)؛ بگو: ای بندگان مؤمن! از پروردگارتان پروا کنید برای کسانی که در این دنیا اعمال شایسته انجام داده اند، پاداش نیکی است و زمین خدا گسترده است ابر شماست از سرزمینی که دچار مضیقه دینی هستید به سرزمینی دیگر مهاجرت کنید فقط شکیبایان پاداششان را کامل و بدون حساب دریافت خواهند کرد. نخست از تقوی شروع می کند و به پیامبر ص دستور می دهد و بعد دستور به مساله احسان و نیکوکاری در این دنیا که دار عمل است پرداخته، و از طریق بیان نتیجه احسان، مردم را به آن تشویق و تحریص می کند و می فرماید: برای کسانی که در این دنیا نیکی کرده اند حسنه و پاداش نیکوی بزرگی است «لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ» آری نیکوکاری به طور مطلق در این دنیا در گفتار، در عمل، در ... و در جهان است که نیکی جز نتیجه نیک نخواهد داشت در حقیقت تقوی یک عامل بازدارنده است، و احسان یک عامل حرکت آفرین که مجموعاً ترک گناه و انجام فرائض و مستحبات را شامل می شود سومین دستور تشویق به هجرت از مراکز شرک و کفر و آلوده به گناه است می گوید: زمین خداوند وسیع است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۹، ص ۴۰۰). گاهی واژه سعادت مساوی با فلاح است. از آنجا که خدای متعال رسیدن به کمال و سعادت را در اختیار انسان قرار داده و به مقتضای آیه "ثُمَّ السَّبِيلُ يَسْرُهُ" کار رسیدن به سعادت را سهل و آسان کرده است، حقیقت سعادت روح انسان جز ایمان و عمل صالح و خالص به دستورات خدا که از روی اراده و اختیار از او صادر شود، چیز دیگری نیست. شقاوت هم که در مقابل سعادت است، (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۱۸). بنابر این، باید گفت که حقیقت سعادت، رسیدن انسان است به هدف نهایی و کمال واقعی که عبارت است از: قرب الی الله و هرگاه انسان به آن مرحله عظیم برسد، قطعاً روح او دارای بهجت و سروری می شود (عارفی جو، بی تا، ص ۲۸).

### ۱۳. رفع مواخذه

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «لَيْسَ عَلَى الضُّعَفَاءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَى وَلَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يُنْفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (توبه / ۹۱)؛ بر ناتوانان و بیماران و آنان که چیزی برای هزینه کردن [در راه جهاد] نمی یابند، گناهی نیست [که در جهاد شرکت نکنند] در صورتی که [در پشت جبهه با اعمال و گفتارشان] برای خدا و پیامبرش خیرخواهی کنند [و از این طریق به حمایت رزمندگان برخیزند]؛ آری، بر نیکوکاران [معذور] هیچ مواخذه و سرزنشی نیست، و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. جمله «مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ» در مقام بیان علت رفع حرج از نامبردگان است، و معنایش این است: در صورتی که این گونه افراد قصد خیرخواهی برای خدا و رسول را داشته

باشند از این رو تکلیف ندارند که در چنین فرضی نیکوکارند، و دیگر بر نیکوکاران مؤاخذه ای نیست، و کسی نمی تواند به آنها آسیبی برساند پس اینکه کلمه سبیل را بکار برد کنایه است از اینکه آنها از آسیب دیدن ایمنند، مثل اینکه در یک بست محکم و دژی مستحکم قرار گرفته اند که کسی راه به آنجا ندارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۴۸۹).

#### ۱۴. آرامش اخروی

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أُحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءَ وَجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبِّرُوا مَا عَلَوْا تَتْبِيرًا» (اسراء/ ۷)؛ اگر نیکی کنید به خود نیکی کرده اید، و اگر بدی کنید به خود بدی کرده اید پس هنگامی که [زمان ظهور] وعده دوم [برای عذاب و انتقام] فرا رسد، [پیکارگرانی بسیار سخت گیر بر ضد شما برمی انگیزیم] تا شما را [با دچار کردن به مصایب سنگین و گزند و آسیب فراوان] غصه دار و اندوهگین کنند و به مسجد [اقصی] درآیند، آن گونه که بار اول درآمدند تا هر که و هر چه را دست یابند، به شدت در هم کوبند و نابود کنند. لام در لانفسکم و همچنین در فلها لام اختصاص است یعنی: هر یک از احسان و اسائه شما مختص به خود شما است، بدون این که به دیگران چیزی از آن بچسبد، و این خود سنت جاریه خداست که اثر و تبعه عمل هر کسی را چه خوب و چه بد به خود او برمی گرداند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۵۳). با احسان به دیگران به خودتان احسان کرده اید و ثبوت دنیوی و اخروی به خودتان واصل می شود (طیب، ۱۴۱۲، ج ۸، ص ۲۲۳). «بَلَى مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره/ ۱۱۲). این یک قاعده کلی است: بهشت اختصاص به گروه خاصی ندارد خواه مسلمان باشد یا یهودی یا غیر آنها، بلکه گذرنامه بهشت دو چیز است یکی اینکه انسان چهره خویش را تسلیم خدا کند و هر چه او گفته قبول نماید، دیگری آنکه نیکوکار باشد، تسلیم وجه به خدا عبارت اخروی تسلیم شدن به خداست یعنی: روی به خدا دوخته و منتظر فرمان باشد و هر چه او فرموده بپذیرد و نه از تمام شدن نعمت بیمی دارند و نه از کمبود نعمتها اندوهی (بقره/ ۳۸) (قرشی بنابی، بی تا، ج ۱، ص ۲۱۶). و «فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ» گویا ناظر پاداش مسلم و محسن است بحسب مقدار و کیفیت اسلام و احسان، ولی رفع خوف و حزن ناظر بعموم میباشد: «وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» نکره منفی لا خوف، مطلق خوف، یا خوف بالنسبه به اسلام و احسان را نفی می کند علیهم دلالت به برتری و احاطه دارد: هیچگونه خوف، یا درباره پاداش اسلام و احسان هیچ نگرانی، آنها را فرامی گیرد و یکسره روزنه اطمینان بر آنها بسته نمیشود تکرار ضمیر جمع «هم» و تقدیم آن بر فعل، تأکید و اختصاص را می رساند و فعل «یحزنون» دوام را آثار امیدبخش اسلام و احسان و آرامش حاصل از آن و رهایی از انگیزه های خوف و حزن دائم همان گشوده شدن دریچه های بهشت بروی مسلم و محسن می شود (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۷۱).

#### ۱۵. راه مطمئن

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «وَمَنْ يُسْلِمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ وَإِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (لقمان/ ۲۲). اسلام وجه به سوی خدا، به معنای تسلیم آن برای اوست، به این معنا که انسان با همه وجودش رو به خدا کند و او را پرستش نماید، و از ما سوای او اعراض کند، و کلمه محسن اسم فاعل از مصدر احسان است، و احسان به معنای به جا آوردن اعمال صالح است با داشتن یقین به آخرت، هم چنان که در اول سوره که می فرماید: هُدًى وَ رَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ، خودش محسنین را به این معنا تفسیر کرده، فرموده: «الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ» کسانی



که نماز می خوانند و زکات می دهند، و در حالی که به آخرت یقین دارند و کلمه عروۃ الوثقی به معنای دست آویزی است که قابل جدا شدن نباشد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۳۴۴). سپس به بیان حال دو گروه مؤمن خالص و کفار آلوده پرداخته، آنها را در مقایسه با یکدیگر و مقایسه با آنچه در مورد پیروان شیطان و مقلدان کور و کر نیاکان بیان کرده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۷، ص ۶۷). که مقصود از کسانی که از خشم و عذاب در امان هستند، مؤمنان و نیکوکاران می باشند اما کسی که به خدا ایمان بیاورد و او را عبادت کند، اما از راه همکاری با دیگران در اموری که به نفع همگان است، به آنان نیکی نکند و یا اینکه نیکی کند و به خدا ایمان نیاورد، این دو گروه از عذاب و خشم خدا در امان نیستند؛ زیرا به دستگیره استوار چنگ نزده اند در این باره روایات فراوانی آمده است: «کسی که به امور مسلمانان توجه نکند از زمره آنان نیست ایمان شخص تصدیق نمی شود، مگر اینکه دوست بدارد برای برادرش آنچه را که برای خودش می دارد محبوب ترین مردم در پیشگاه خدا، سودمندترین آنان برای مردم است (مغنیه، ۱۳۷۸، ج ۶، ص ۲۷۶). سر تا پای وجودمان نیاز است. برای تامین این نیازها، باید به جایی متوسل شویم، سراغ کسی برویم. وقتی خودمان که صفریم؛ «نیاز» یعنی صفر، یعنی نداری- باید برویم سراغ کسی که دارد، از او بگیریم. این همان چنگ زدن به ریسمانی است، به وسیله ای است که به آن وسیله آدم نیازش را تامین می کند. اگر کسی ارتباطش را با خدا تقویت کند هیچ احساس نیازمندی، فقر و ذلت نمی کند.

#### ۱۶. پاداش

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَنِ إِلَّا الْإِحْسَنُ» (الرحمن / ۶۰)؛ «آیا پاداش نیکی جز نیکی است؟». کسانی که در دنیا اهل نیکی و احسانند، در آخرت نیز اهل نیکی و احسان می باشند. پرسیدند: ای رسول خدا! چگونه چنین چیزی ممکن است؟ حضرت فرمود: خداوند (در روز قیامت) احسان و انعام فرموده آنان را می آموزد، و آنان (نیز) ثواب کارهای نیکی که (در دنیا) انجام داده اند، به مردم می بخشند تا (آنان هم) وارد بهشت شوند؛ و بدین ترتیب آنان هم در دنیا و هم در آخرت اهل نیکی و احسانند (ابن بابویه، ۱۳۸۸، صص ۲۰۰-۲۱۰). و آخرین و برترین درجه فوز و رستگاری، رضوان الهی است که به معنای رضایت خدا از بندگان و رضایت بندگان از خدا است و این منتهای درجه آرزوی هر عارفی است و تمام مسیرهای سیر و سلوک الهی به رضوان الهی ختم می شود (عارفی جو، بی تا، ص ۲۷).

#### نتیجه گیری

در آیات اشاره شده نمونه ای از جامع ترین تعلیمات اسلام در زمینه مسائل اجتماعی، و انسانی و اخلاقی بیان شده است. که خداوند بزرگ فرمان به عدل و احسان می دهد عدل همان قانونی است که تمام نظام هستی بر محور آن می گردد، آسمان ها و زمین و همه موجودات با عدالت بر پا هستند اما از آنجا که عدالت با همه قدرت و شکوه و تاثیر عمیقش در مواقع بحرانی و استثنایی به تنهایی کارساز نیست، بلافاصله دستور به احسان را پشت سر آن می آورد. احسان که در واقع از دیگر چیزهایی که خداوند اثر وضعی در آن قرار داده است، احسان و صدقه و نیکی به بندگان خداست. هرچند طرف کافر باشد، و احسان و نیکوکاری فقط مربوط به مسائل مادی و مالی نیست. بخشی از آن مادی و مالی است و بخش دیگرش معنوی و غیر مادی است. عدم احسان نیز موجب به وجود آمدن جامعه ای خشک و بی روح می شود هر عمل خیر و کار خوبی به نوعی احسان به شمار می آید. نیکوکاری هم آثار دنیوی و هم آثار اخروی فراوانی دارد از جمله؛ امداد خدا، بشارت قرآن، پاداش، تکفیر گناهان،

دوستی، رحمت، رستگاری، رفع مواخذه، سعادت دنیوی، عفت، محبوبیت، نجات از عذاب، هدایت. البته احسان آثار مادی را نیز شامل می‌شود، از جمله؛ اتمام نعمت، اجابت دعا می‌باشد. مهمتر از همه آثار معنوی احسان که روح و کالبد جسم را در آرامش قرار می‌دهد که عبارتند از رحمت، دوستی، رستگاری، عفت، فرجام نیک، محبوبیت، نجات از عذاب، هدایت را که شامل می‌شود و می‌توان گفت که آثار احسان در سرنوشت فرد و جامعه تاثیر می‌گذارد. ریشه و منشأ نیکوکاری را باید در ایمان حقیقی افراد دانست و اسلام به عنوان کامل ترین و جامع ترین دین الهی رستگاری انسان‌ها را در قرآن بیان کرده و با توجه به واژگانی که در مفهوم رستگاری و نجات در قرآن به کار رفته، نشان دهنده این است که نجات انسان منحصر به ایمان به مبدأ و معاد و عمل صالح است و خداوند بزرگ برای هدایت بندگان دو چیز گران بها و با ارزش را که کتاب خدا و عترت اهل بیت علیهم السلام هستند قرار داده است و از آثار احسان که دوستی است بوسیله آن روح انسان، را در سایه مودت و مهرورزی، شکوفا و مصفا می‌نماید که نیاز به «دوستی» در عمق جان آدمی نهفته است. همچنین یکی از برکات بخشش جذب دلهاست. که انسان محبوب دلها می‌شود. همه آدم سخی و سخاوتمند را دوست دارند. که مقبولیت و محبوبیت در نظرها چندین برابر می‌شود اگر با عفت همراه باشد، عفت همان مجاهده درونی برای غلبه ارزش‌هاست که امام زمان (عجل) برای زنان امتش از خدا عفت می‌خواهد که خدا عفت رانیز در احسان قرار داده و تلاش درونی انسان برای حاکمیت خوبی‌ها و محسنات در سیطره وجودش عفت است و چون تقویت عفت موجب پاکی و نزهت است. هر مقدار که انسان عقیف باشد به عالم قدس و ملائک نزدیک تر است، از این رو، انسان عقیف در جایگاه ملائکه است. اگر انسان ناهنجاری‌هایی دارد که باعث غضب خداست، با صدقه دادن توفیق پیدا می‌کند که آنها را کنار بگذارد تا خشم خدا خاموش شود، همانند صدقه دادن پنهانی که رحمت خدا را جذب و خشم خدا را خاموش می‌کند. پس هیچ عمل کوچکی را دست کم نگیریم. عمل‌های ما مثل این است که هزار تیر رها می‌کنیم، ولی یک تیر به هدف می‌خورد و همچنین دعا، یکی از مهم ترین پل‌های ارتباطی بین انسان و خالق هستی است و می‌توان آن را بزرگرایی به سوی خداوند دانست که از برکت احسان به اجابت می‌رسد و با احسان همچنین گناهان کبیره، صغیره در کارنامه اعمال دارد خداوند آنها را مستور می‌نماید هنگامی که در کارنامه اعمال آن فرد احسانی، عمل خیری را مشاهده نماید و خداوند کریم پایان کار او را ختم به خیر می‌کند و سیئات او را تبدیل به حسنات می‌کند. و اگر فرد نیکو کار عمرش به دنیا باشد امداد های خداوند او را فرا می‌گیرد چه بسا که بسیاری از این امداد های الهی غیبی باشند، یعنی نهان و پشت پرده؛ چیزهایی که از حواس ظاهری ما پنهان است و در پس امور محسوس قرار دارد. در قرآن کریم آمده است که ؛ کلیدهای غیب نزد خداست.

امداد خدا مانند چشمه آبی که از منبع زیرزمینی مدد گرفته و هر لحظه بر آن اضافه گردد و در نتیجه جریانش امتداد می‌یابد است. و گاهی خداوند امداد غیبی خود را در قالب سکینه و آرامش قلب‌های مؤمنان، نازل می‌نماید که اوست خدایی که سکینه و آرامش را در قلوب مؤمنین نازل کرد تا بر ایمانشان بیفزاید که همه اینها به مدد احسان شامل حال انسان می‌شود که همگی باعث سعادت فرد و جامعه می‌گردد. برای انسان همان هدف واقعی است که به منظور رسیدن به آن آفریده شده و آن وصول انسان به خیر مطلق است. بنابر این، باید گفت که حقیقت سعادت، رسیدن انسان است به هدف نهایی و کمال واقعی که عبارت است از: قرب الی الله و هرگاه انسان به آن مرحله عظیم برسد، قطعاً روح او دارای بهجت و سروری می‌شود که هیچ شادمانی و سروری به منزلت آن نخواهد رسید و در عالم آخرت نیز در جوار ذات الهی متنع به نعمت‌هایی خواهد رسید. فرد سعادت‌مند که از خیر احسان به درجه سعادت راه یافته است. خداوند از وی رفع مواخذه می‌نماید یعنی بر ناتوانان (کور، پیر، شل، زمین گیر و مانند آنها) و بر بیماران و بر کسانی که نمی‌یابند چیزی را که انفاق کنند و ببخشند (هزینه زندگی نمایند)

گناهی برایشان ثبت نمی‌کند و هیچ مسلمانی را در راه احسان نباید سرزنش کرد، یا به گیرودار افکند، چه از نظر حالی و مالی و چه از نظر عملی، چرا که خداوند فرموده اگر نیکی و احسان کردید به خود کرده‌اید و اگر بدی و ستم کردید باز به خود کرده‌اید. با احسان به دیگران به خودتان احسان کرده‌اید و ثوابات دنیوی و اخروی به خودتان واصل می‌شود و اگر اسائه کردید شرک و کفر و اعمال سیئه و اخلاق رذیله و ظلم و تعدی به دیگران ضرر و عقوبت دنیوی و اخروی آنها به خودتان متوجه می‌شود که بنا بر عدل، خالق نیکو صفت چون این جهان جایگاه اصلی پاداش مومنان نمی‌باشد خداوند در پی هر احسانی آرامشی در بهشت برین آماده کرده است. که هر احسانی انسان را به راه مطمئنی می‌رساند و کسی که محسن باشد یعنی به دیگران نیکی کند و نیکی اش به خود و خویشاوندان منحصر نگردد و با مردم همدردی کند. نیکوکار کامل به سان آب پاک کننده است که هم خودش پاک می‌باشد و هم چیزهای دیگر را پاک می‌کند که در واقع کار خیر و عمل صالح کفر و نفاق را از بین می‌برد. آنهایی هم که مؤمن هستند می‌توانند با سخاوت و انفاق ایمانشان را تقویت کنند و آخرین و برترین درجه فوز و رستگاری، رضوان الهی است که به معنای رضایت خدا از بندگان و رضایت بندگان از خدا است و این منتها درجه آرزوی هر عارفی است و تمام مسیرهای سیر و سلوک الهی به رضوان الهی ختم می‌شود و همچنین ارزش و اهمیت نیکوکاری در اینجا مشخص می‌شود که رسول خدا (ص) فرمود: خدا به داود پیامبر چنین وحی کرد: بنده ای از بندگانم در روز قیامت کار نیکی می‌آورد، پس او را در بهشت حاکم می‌سازم. پس چه سعادت بالتر از این، که از سایه سار برکت احسان، و سرانجام احسان انسان حاکم بهشت می‌شود و به درجه فوز و رستگاری و رضوان الهی می‌رسد که هم خدا از بنده اس راضی است و هم بنده، از خدای خود خشنود است و چه سرانجام نیکویی.

## منابع و مأخذ

- قرآن کریم
- نهج البلاغه

## الف) کتب

- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۸۰)، پاداش و مجازات، تهران، پیام غدیر.
- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۸۸)، پاداش نیکیها و کیفر گناهان، قم، سرور.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، (بی تا)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، آستان قدس.
- احمد جلفائی، حمید، (۱۳۹۲)، حجاب وعفت در آیات و روایات، قم، زائر.
- اشکوری، محمد بن علی، (۱۳۷۳)، تفسیر شریف لاهیجی، تهران، راد.
- امین، نصرت‌بیگم، (بی تا)، تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن، بی جا، بی نا.
- آقا بابایی، مهدی، (۱۳۹۱)، سفره احسان و کرم امیرالمومنین، اصفهان، مرکز تحقیقات قائمیه.
- ثقفی تهرانی، مجید محمد، (۱۴۰۶)، روان جاوید در تفسیر قرآن، تهران، برهان.
- جعفری، یعقوب، (۱۳۷۶)، تفسیر کوثر، قم، هجرت.
- حسینی همدانی، محمد، (۱۴۰۴)، انوار درخشان در تفسیر قرآن، تهران، لطیفی.

- خرم، مصطفی، (۱۳۷۲)، تفسیر نور، تهران، احسان.
- درگاه زاده، محمد، (۱۳۸۱)، امدادهای غیبی، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲)، مفردات الفاظ، بیروت، دار الشامیه.
- زکی زاده رنانی، علیرضا، (بی تا)، آرامش ابدی، قم، دیوان.
- سید کریمی حسینی، عباس، (۱۳۸۲)، تفسیر علّیین، قم، اسوه.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۳۷۷)، شرح مصباح الشریعۀ، ترجمه عبد الرزاق گیلانی، تهران، پیام حق.
- صادقی تهرانی، محمد، (۱۴۰۶)، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، قم، فرهنگ اسلامی.
- طالقانی، محمود، (۱۳۶۲)، تفسیر پرتوی از قرآن، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین، (۱۳۷۴)، تفسیر المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن، (بی تا)، تفسیر مجمع البیان، تهران، فراهانی.
- طوسی، محمد بن الحسن، (۱۴۰۷)، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- طیب، سید عبدالحسین، (۱۴۱۲)، أطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، اسلام.
- عارفی جو، مهدی، (بی تا)، شاخصه های رستگاری از دیدگاه قرآن کریم، اصفهان، مرکز تحقیقات قائمیه.
- عاملی، ابراهیم، (بی تا)، تفسیر عاملی، تهران، کتابفروشی صدوق.
- فرحزاد، حبیب الله، (۱۳۹۳)، احسان راهی به سوی خوشبختی، قم، نشر عطش.
- فرحزاد، حبیب الله، (بی تا)، دعا و اسرار اجابت، قم، نشر عطش.
- فلسفی، محمد تقی، (بی تا)، روایات تربیتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- قرائتی، محسن، (۱۳۷۴)، تفسیر نور، بی جا، موسسه در راه حق.
- قرشی بنابی، علی اکبر، (بی تا)، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- قطب، سید، (۱۴۲۵)، فی ظلال قرآن، بیروت، دار الشروق.
- قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۶۳)، تفسیر قمی، قم، دار الکتاب.
- کاشانی، فتح الله بن شکرالله، (بی تا)، تفسیر کبیر منهج الصادقین فی إلزام المخالفین، تهران، کتابفروشی اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷)، کافی، تهران، الاسلامیه.
- مطهری، مرتضی، (بی تا)، مجموعه آثار، قم، صدرا.
- مغنیه، محمدجواد، (۱۳۷۸)، تفسیر کاشف، قم، بوستان کتاب.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۵)، آیین رحمت، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- نسفی، عمر بن محمد، (۱۳۷۶)، تفسیر نسفی، تهران، صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، انتشارات سروش.

## ب) بیانات

بیانات در دیدار مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران (۱۶ / ۰۵ / ۱۳۹۰)

بیانات در خطبه های نماز عید سعید فطر (۲۵ / ۰۹ / ۱۳۸۰)